

خط و ربط

اهمیت اسناد خصوصی برای تاریخ نگاری دوران قاجار

۵۱-۶۷

چکیده: نوشتار حاضر بررسی کوتاهی است از اهمیت نگاهداری و استفاده از اسناد خصوصی در تاریخ نگاری دوره قاجار. از آنجا که ساختار کلی دولت در ایران در دوره قاجار، سوای چند مورد محدود، دارای یک بایگانی مرکزی نبود، گردآوری و بهره برداری از اسناد خصوصی بازمانده از آن دوران می تواند برای شناخت بهتری از تاریخ ایران در آن دوران مفید باشد.

کلید واژه ها: اسناد خصوصی، تاریخ نگاری دوره قاجار، فقدان بایگانی مرکزی در ایران، اهل دیوان، تنظیم و انشای اسناد

The Importance of Private Documents for Qajar Historiography

Ali Qeisari

Abstract: The present article is a brief review of the importance of preserving and using private documents in the historygraphy of Qajar period. Since the structure of government in Iran during the Qajar period, except in few cases, did not have a central archive, the collection and use of private documents surviving from that period can be useful for a better understanding of the history of Iran at that time.

Keywords: Private documents, Qajar period historiography, lack of central archives in Iran, preparation and writing of documents

(الخط والرابط)

أهمية الوثائق الشخصية في تدوين تاريخ العهد القاجاري

علي قيصري

الخلاصة: المقال الحالي عبارة عن تحقيق مختصر حول أهمية حفظ الوثائق الخاصة والاستفادة منها في تدوين تاريخ العهد القاجاري. ولما كانت الدولة بشكل عام في إيران في العهد القاجاري. عدا بعض الموارد القليلة. تفتقر إلى أرشيف مركزي واحد، فإنّ تجميع الوثائق الخاصة الباقية من ذلك العهد والاستفادة منها يمكن أن يكون مفيداً للتعرف بصورة أدق عن تاريخ إيران في تلك الفترة. المفردات الأساسية: الوثائق الخاصة، تدوين تاريخ العهد القاجاري، الافتقار إلى أرشيف مركزي في إيران، أهل الديوان، تنظيم الوثائق وكتابتها.

دولت قاجار در ایران در سده نوزده میلادی به تدریج پیوندهای گسترده تری از پیش با تعدادی از دولت‌های معاصر خود مانند عثمانی، روسیه، بریتانیا و فرانسه که همگی دارای ساختاری پیچیده بودند پیدا کرد؛^۱ اما در قیاس با آن دولت‌ها ایران یک تشکیلات متمرکز دولتی یا یک آرشیو ملی و نهاد بایگانی مرکزی نداشت. برای مثال در یک روز کاری فرضی در دوره قاجار این وزیر نبود که برای رسیدگی به کارها به وزارتخانه اش می‌رفت، بلکه وزارتخانه بود که به منزل وزیر که همزمان دفتر کار او نیز بود می‌آمد. به این ترتیب بیشتر امور وزارتخانه و عمده مکاتبات آن در محدوده و ساحت فضای شخصی و اقامتگاه وزیر مربوط انجام می‌گرفت و از آنجا که معمولاً مشاغل و مناصب دیوانی از پدر به پسر یا دیگر اعضای نزدیک همان خانواده می‌رسید، این‌گونه مکاتبات و سوابق اجرایی در خانواده‌های اهل دیوان باقی می‌ماند و هر گاه صاحب آن مقام و مسند به هر دلیلی از کار خود برکنار می‌شد، می‌توان احتمال داد (البته این احتمال نیازمند پژوهش جداگانه است) که اهم آن مکاتبات نیز از «منزل/دفتر» آن مقام به «منزل/دفتر» مقام یا متصدی جدید منتقل می‌شد و الی آخر.

در اینجا به عنوان استثنا می‌توان به ترتیب دیگری هم اشاره داشت که در دوران کوتاه صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر (۱۸۰۷-۱۸۵۲م) اتخاذ شده بود تا نسخ معاهدات و مکاتبات خارجی با عنوان «سواد مکاتبات» در دربار بایگانی و نگهداری شوند، اما در این مورد نیز می‌بینیم که «دربار» به عنوان مقر و مرکز حکومت و «درگاه» به عنوان اقامتگاه شاه و بیت سلطنتی در یکجا و در یک مجموعه بودند و یکی دانسته می‌شدند و حد فاصلی فیزیکی و حقوقی میانشان نبود. مشابه این روش درباره برخی از اسناد وزارت امور خارجه نیز به کار برده شد. از حدود سال‌های میانی دهه ۱۸۶۰ میلادی به ابتکار میرزا حسین خان سپهسالار (۱۸۲۸-۱۸۸۱م) مقرر شده بود تا نسخه یا رونوشتی از معاهدات و سایر انواع قراردادهای ایران با دیگر دولت‌ها را در قسمتی از کاخ گلستان در تهران نگهداری کنند.^۲ سپهسالار خود از نزدیک تحولات نظام اداری روسیه را هنگامی که در وزارت خارجه و در تفلیس خدمت می‌کرد دیده بود. همچنین هنگامی که در مقام سفیر در پایتخت عثمانی به سر می‌برد، برنامه‌های دولت عثمانی را برای اصلاحات یا همان دوره موسوم به «تنظیمات» را به خوبی شاهد بود و دنبال می‌کرد.

۱. برای متن نخست این نوشتار به انگلیسی با تغییراتی بنگرید به:

Ali Gheissari, "Khatt va Rabt: The Significance of Private Papers for Qajar Historiography," Gingko Library, News Blog, originally posted on 5 August 2015.

<https://www.gingko.org.uk/essays/khatt-va-rabt-significance-private-papers-qajar-historiography/>

از پژوهنده گرامی دکتر محسن آشتیانی برای گفتگوی مفیدی که درباره پیش نویس این نوشتار داشتند سپاسگزارم. البته مسئولیت همه کاستی‌ها با نگارنده است.

۲. از پژوهنده گرامی دکتر عباس امانت برای طرح بحث مفیدی که در این باره داشتند و آقای اسماعیل مهدوی راد و همکاران برای ویراست و درج آن در نشریه آینه پژوهش سپاسگزارم. برای نمونه‌ای از این‌گونه تداخل نهادی و ساختاری در اواخر قاجاریه، می‌توان به شرحی از جزئیات هدایای نقدی و غیرنقدی که به مظفرالدین شاه (دوره زمامداری ۱۸۹۶-۱۹۰۷م) عرضه شده بود، اشاره داشت. (بنگرید به: پیشکش‌های مظفرالدین شاه، به کوشش بهمن بیانی، تهران: توران، ۱۳۸۶).

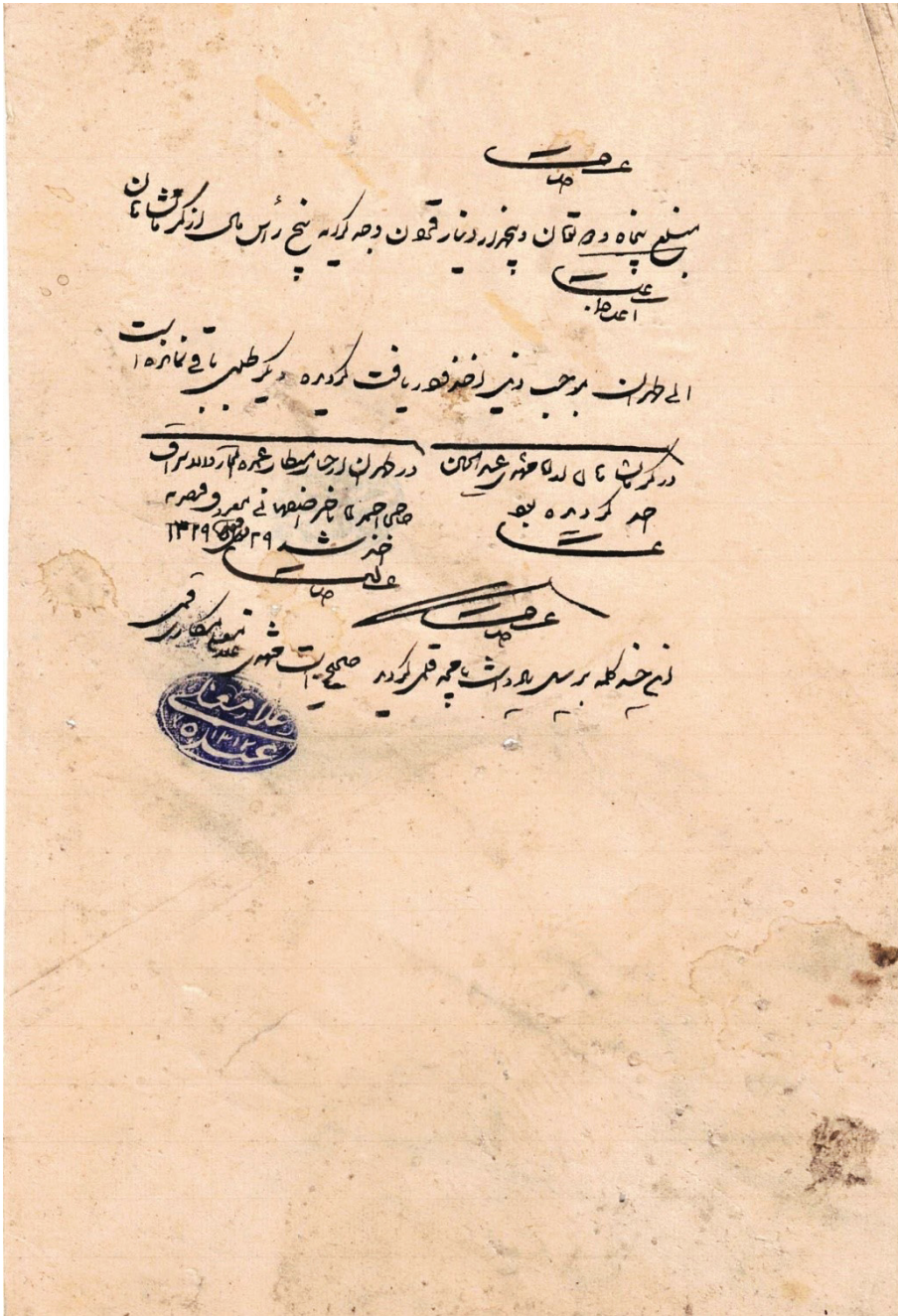
۳. برای گزیده‌ای از اسناد وزارت خارجه در دوره قاجار بنگرید به: فهرست اسناد قدیمی وزارت امور خارجه، دوره قاجاریه (۱۲۲۴-۱۳۱۶ق)، ج. ۱. ایران (وزارت امور خارجه)، تهران: ۱۳۷۱.



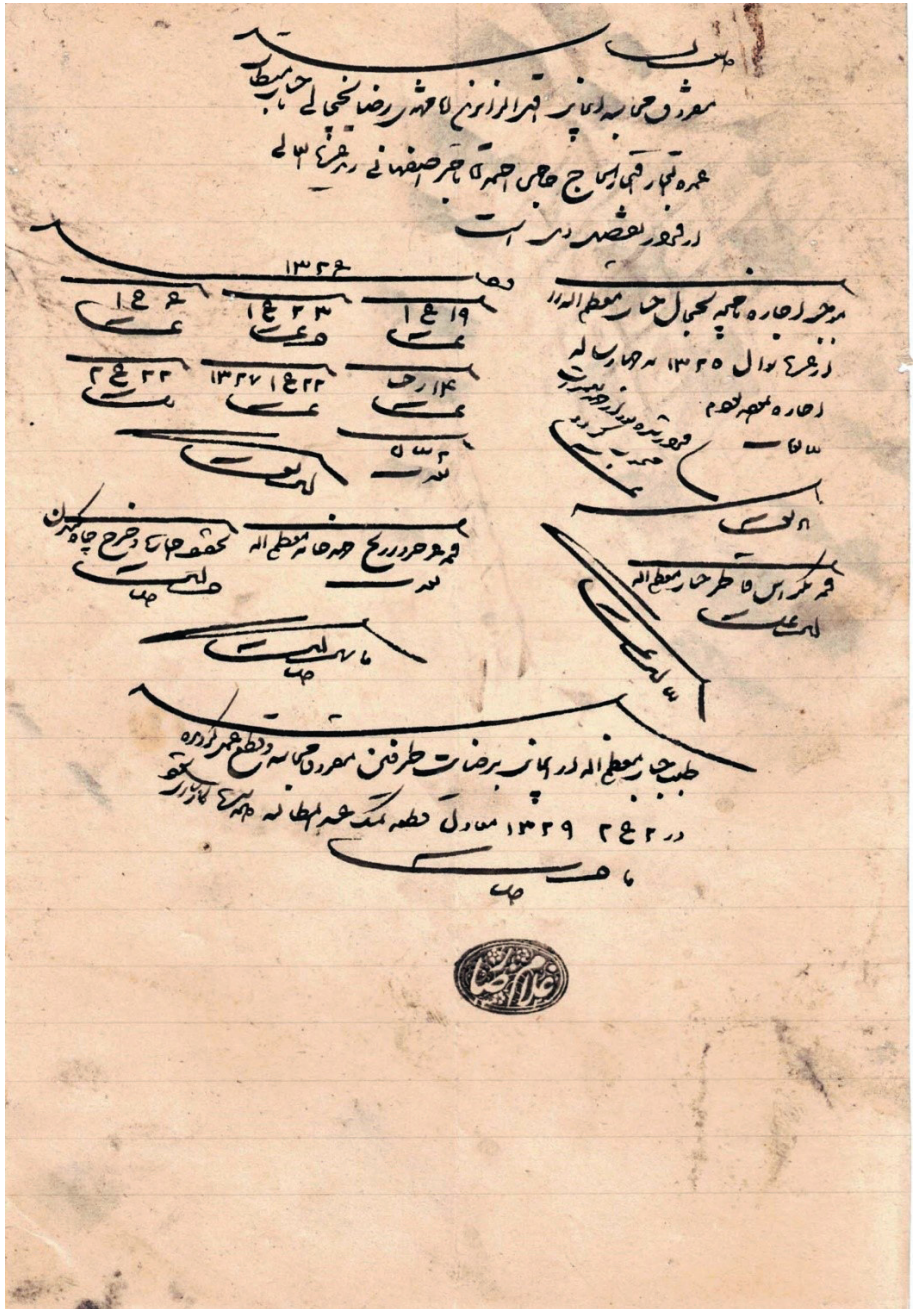
تصویر ۱: گواهی مصدق مصالحه بیست و یک هزار ذرع مضرابی از اراضی عباس آباد خارج دروازه جدید دولت (تهران) به تاریخ ۱۰ جمادی الآخر ۱۳۳۲ ق (۶ ماه مه ۱۹۱۴ م)، مجموعه خصوصی



گواهی مصدق صلح قطعی سی هزار ذرع از اراضی عباس آباد واقع در خارج دروازه دولت (تهران) به تاریخ ۱۰ جمادی الآخر ۱۳۳۲ق (۶ ماه مه ۱۹۱۴م)، مجموعه خصوصی



تصویر ۳: رسید پرداخت هزینه و تسویه حساب حمل و نقل پنج رأس مال از کرمانشاهان [به تهران]، به تاریخ ۲۹ ذی الحجه ۱۳۲۹ ه. ق. (۲۱ دسامبر ۱۹۱۱ م)، بین مشهدی عبدالحسین و حاج احمد آقا تاجر اصفهانی معروف [به] قیصریه، مجموعه خصوصی.



تصویر (۴): خلاصه قرارداد اجاره یخچال [۹] (با ذکر برخی جزئیات) به مدت چهار سال از تاریخ ۱ شوال ۱۳۲۵ (۷ نوامبر ۱۹۰۷ م)، بین مشهدی رضا یخچالی و حاج احمد آقا تاجر اصفهانی [قیصریه]. مجموعه خصوصی.

بنابراین به غیر از موارد محدود، بخش عمده‌ای از اسناد دولتی و رسمی، همان طور که اشاره شد، به جای یک بایگانی ملی و مرکزی به صورت غیررسمی و در منازل شخصی دولتمردان و متصدیان امور و در میان سایر مسودات و مراسلات آنان نگهداری می‌شد. از اینجا می‌توان به اهمیت و ارزش اسناد در مجموعه‌های خصوصی به‌جامانده از دوره قاجار برای تاریخ‌نگاری بهتر و جامع‌تری از آن دوره پی برد. در واقع تنها با شروع اصلاحات اداری در اوایل دوران پهلوی، یعنی از حدود سال‌های نیمه دوم دهه ۱۹۲۰ میلادی به بعد بود که دوایر مختلف دولتی به جای منزل یا اقامتگاه خصوصی وزیر مربوط، دارای اقامتگاه و به تعبیر رایج، آدرس پستی مختص به خودشان شدند.^۴ حتی بعد از اصلاحات اداری اواخر دهه ۱۹۲۰ میلادی به بعد نیز بیشتر مراسلات و مکاتبات و مکتوبات اداری به خصوص گزارشات یا حوالجات به بایگانی وزارتخانه‌های جدید یا به آرشیوهای دیگر که در سنوات بعد دایر شد منتقل نشدند، بلکه بخش عمده‌ای از سوابق امور در میان اوراق خصوصی مسئولان سابق باقی ماند و با اوراق و اسناد خود آنان، مانند: نامه، رسید، حوالجات، اسناد پنجاقی و مالکیت، اقرارنامه، صلح‌نامه و تحریر ترکه مخلوط شد.^۵

در سال‌های بعد و در نتیجه دگرگونی‌های ایجاد شده در موقعیت سیاسی و شغلی خانواده‌هایی که دارای پیشینه مشاغل ارشد دیوانی بودند و نیز چرخش اجتناب‌ناپذیر نسلی و نقل مکان از منازل قدیمی، بخش زیادی از این‌گونه اسناد به تدریج پراکنده و حتی نابود شد. توجه دقیق‌تر به آنچه باقی مانده نمایانگر تنوع و اهمیت آنهاست. تعدادی از آنها مانند اسناد مربوط به اهل دربار یا اهل دیوان یا تجار به تدریج ویرایش، معرفی و عرضه شده‌اند که دستمایه پژوهندگان تاریخ دوره قاجار و ایران‌شناسان است.^۶ در هر گروه نیز با طیف متنوعی از اسناد، مانند یادداشت‌های شخصی و

۴. نمونه مهم دیگر در این زمینه نگهداری از اسناد به خصوص اسناد مالی و مالیاتی دولتی توسط میرزا یوسف خان آشتیانی (مستوفی‌الممالک) (۱۸۱۲-۱۸۸۶م) است که در دوره زمامداری ناصرالدین‌شاه (حکومت ۱۸۴۸-۱۸۹۶م) مسئولیت خزانه‌داری را عهده‌دار بود.

۵. هر چند در سال ۱۳۰۹ (۱۹۳۰م) مرکزی برای جمع‌آوری و نگهداری از اسناد دولتی تشکیل شد، اما قانون تشکیلات بایگانی ملی (یعنی همان قانون تأسیس «سازمان اسناد ملی») در سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰م) به تصویب مجلس رسید. بنگرید به:

<https://rc.majlis.ir/fa/law/show/96457>


۶. برای نمونه بنگرید به: خاطرات و اسناد حسینقلی خان نظام‌السلطنه مافی؛ به‌کوشش معصومه نظام مافی، منصوره اتحادیه (نظام مافی)، سیروس سعدوندیان، حمید رام‌پیشه، (باب اول، خاطرات)، (باب دوم و سوم، اسناد)؛ تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱؛ سیاق معیشت در عصر قاجار، سیاق اول: حکمرانی و ملکداری، (مجموعه اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما)، جلد دوم (اسناد سال ۱۳۲۸ هجری قمری)، بخش اول: محرم - جمادی‌الاول؛ به‌کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، سیروس سعدوندیان؛ تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۳؛ منصوره اتحادیه (نظام مافی) و اعظم غفوری؛ حکومت کرمانشاهان: منتخبی از اسناد عبدالحسین میرزا فرمانفرما (۱۳۲۰-۱۳۲۱ق)؛ ج ۱، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۷؛ میرزا حسن خان؛ مراسلات طهران: نامه‌های مباشر میرزا حسین خان مبصرالسلطنه؛ از تهران به کاشان؛ ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۹ق؛ به‌کوشش منصوره اتحادیه (نظام مافی)، سیدسعید میرمحمدصادق؛ ویراستار مصطفی زمانی‌نیا؛ تهران: کتاب سیامک و نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۴، (بیشتر نامه‌ها درباره معاملات املاک در تهران در اواخر دوره ناصری است)؛ منصوره اتحادیه (نظام مافی) و سعید روحی؛ در محضر شیخ فضل‌الله نوری؛ اسناد حقوقی عهد ناصری؛ پیشگفتار از سیدعلی آل‌داود؛ ۲ جلد، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۵؛ بهمن بیانی و منصوره اتحادیه؛ کتابچه قبالحجات خزانة مبارکه؛ املاک حاج میرزا آغاسی، خالصجات و موقوفات دیوان اعلی؛ تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۷؛ حسینقلی میرزا سالور؛ دفتر ثبت احکامات حضرت والا شاهزاده عمادالسلطنه در حکومت شقاقی و بلوکات

۱۹۱۴/۱۲/۲۵
۲۱۰۰۰
۳۰۰۰
۲۱۰۰۰
۱۳۳۲

مهرنامه
در باب ثبت زمین در ذرع
طهران

جناب آقایان در ذرع
شعبه خاکی
فصلیه
باقری
بزرگوار

۱۳۳۲



تصویر ۵: رسید دریافت و تسویه خمس معامله بیست و یک هزار ذرع زمین بیاض از اراضی عباس آباد خارج دروازه جدید دولت طهران، به تاریخ ۸ جمادی الاولی ۱۳۳۲ ق. (۴ آوریل ۱۹۱۴ م)
توضیح: از آنجا که یک طرف این تقریر «خواجه میساک پرنهسیان [؟] مسیحی» از ارامنه بوده است، لذا در تاریخ ۲۵ آوریل [۱۹۱۴] خلاصه‌ای از این پرداخت (به مبلغ ۵۰ تومان برابر با ۵۰۰ قران به آقای صدرالعلما) در بالای سند به زبان ارمنی و به صورت یادداشت آمده است. از پژوهندگان گرامی دکتر حوری بربریان و دکتر هاسمیک کاراکوسیان برای توضیح درباره مفاد بالای این یادداشت سپاسگزاری می‌شود. مجموعه خصوصی.

بسیار با نزهت خوان از بیت مظالم مرحوم

حاج میرزا محمد کتاب فروش طبرستان که صاحب

الوصیه انصر صوم بتوسط صاحب کتاب است

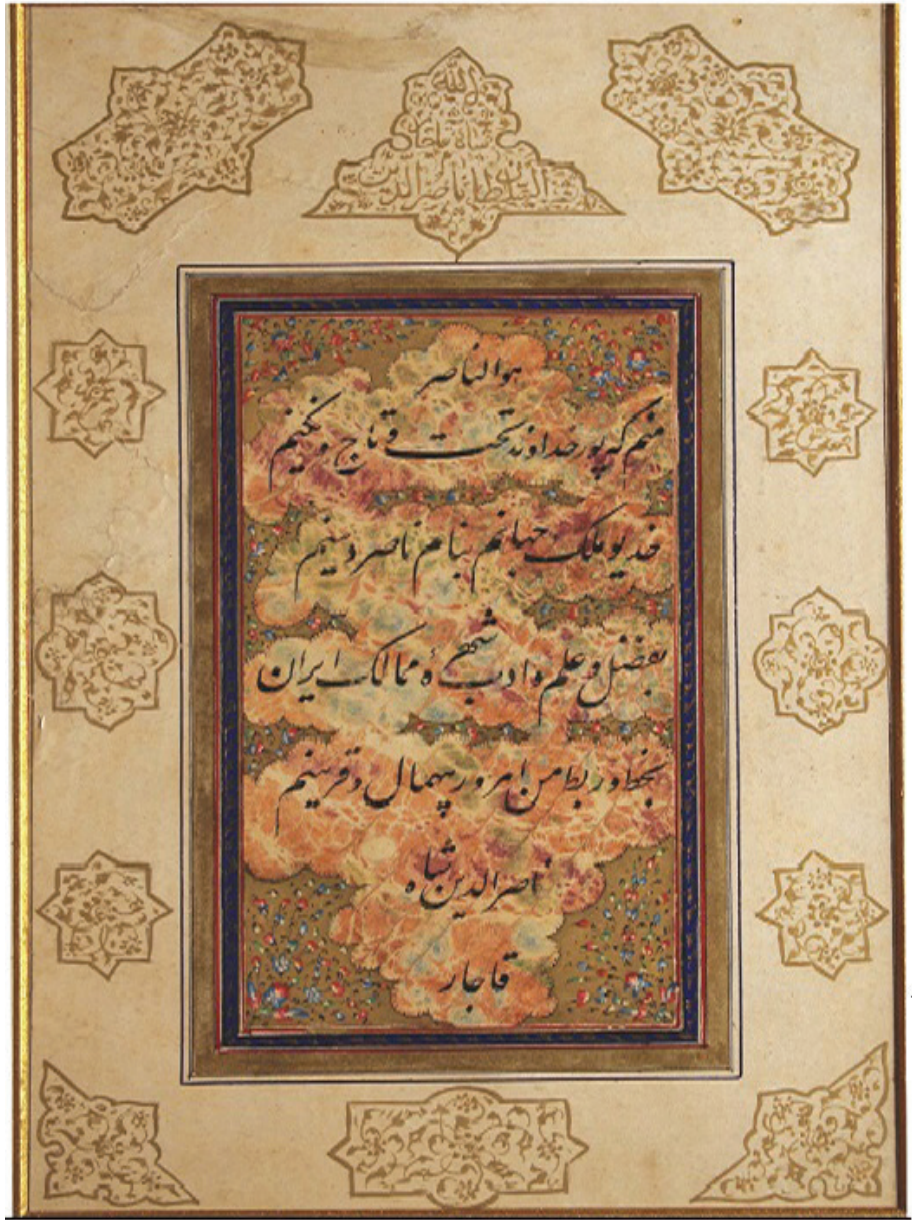
التجاره حاج میرزا کاظم انصر صوم باین جانب

واصل و عاید گردید محرم ۱۳۳۹ ق

من آقوی ۱۳۳۹



تصویر ۶: رسید پرداخت رد مظالم مرحوم حاج میرزا محمد کتابفروش (طهرانی) طبق وصیت، توسط صهر ایشان حاج میرزا علی [قیصریه] به تاریخ ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۳۹ ق (۵ مارس ۱۹۲۱ م) ارجاع این سند به حاج میرزا محمد طهرانی نویسنده و گردآورنده کتاب فواکه البساتین است که در بالا (پانویست شماره ۸) به آن اشاره شد. مجموعه خصوصی.



<https://newsoholic.com/nasiraldin-shah-the-artist-al/8/>

تصویر ۷: اشاره ناصرالدین شاه به «خط و ربط»

خدیو ملک جهانم بنام ناصر دینم
بخط و ربط من ابتر و بیهمال و قرینم

هوالنصر
منم که پور خداوند تخت و تاج و نگینم
بفضل و علم و ادب شهره ممالک ایران

ناصرالدین شاه قاجار(*)

روزانه، سفرنامه (چه واقعی و چه تخیلی)، خاطرات تجاری و خانوادگی و مسودات گوناگون مانند پرداخت فطریه، نیابت در انجام فرایض، وصیت، ردّ مظالم و غیره روبرو هستیم که هر یک به نوبه خود بیانگر وجوهی از تاریخ اجتماعی آن دوران هستند.^۷ در مواردی نیز متونی را با جنبه معنوی یا مجموعه‌هایی شامل گزینش‌های ادبی، تاریخی و ذوقی که به سبک کشکول و سفینه هستند، می‌بینیم که در مجموع مفاد پژوهشی مهمی برای تاریخ‌نگاری ایران در دوران قاجار عرضه می‌کنند.^۸ در چند دهه گذشته بخش متنوعی از این‌گونه اسناد ویرایش و چاپ شده یا به صورت دیجیتال در اختیار پژوهشگران قرار گرفته‌اند، اما باید اسناد بیشتری شناسایی و عرضه شوند.^۹

در این میان توجه به اسناد حقوقی و معاملات به طور کلی از اهمیت خاصی برخوردار است. می‌دانیم که دادگستری نوین در ایران که در اواخر دهه ۱۹۲۰ میلادی تأسیس شد، سازوکار مشخصی را ابداع نکرد تا سوابق اسنادی را که از دوره قبل مانده و پراکنده بودند، جمع‌آوری و به نهاد جدید منتقل

ثلاث؛ به‌کوشش بهمن بیانی و سعادت پیرا؛ تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۹؛ سعادت پیرا؛ گامی به سوی دادخواهی: خلاصه عریض ولایات ایران به مجلس تحقیق مظالم (سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۰۳ ق)؛ تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۷؛ سعادت پیرا و علیرضا نیک‌نژاد؛ مکاتبات و نامه‌های میرزا علی اصغرخان اتابک امین‌السلطان با مظفرالدین شاه؛ تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۸. همچنین بنگرید به: تعدادی از یادداشت‌های روزانه ارزشمند و مفید در اواسط دوره قاجار، مانند: محمدحسن خان اعتمادالسلطنه؛ روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه؛ به‌کوشش ایرج افشار؛ چاپ ششم، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۵ و قهرمان میرزا سالور (عین‌السلطنه)؛ روزنامه خاطرات عین‌السلطنه؛ به‌کوشش مسعود سالور و ایرج افشار؛ ده جلد، تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.

۷. برای مشاهده طیف وسیع‌تری از این‌گونه منابع شامل خاطرات و گزارش‌های دادوستدهای تجاری بنگرید به: حاج محمدتقی جورابچی؛ حرفی از هزاران که اندر عبارت آمد؛ وقایع تبریز و رشت (۱۳۲۴-۱۳۳۰ ق)، متن کامل با اضافات؛ به‌کوشش و مقدمه علی قیصری؛ تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۸۷ و نیز:

Ali Gheissari, "Merchants without Borders: Trade, Travel, and a Revolution in late Qajar Iran," in Roxane Farmanfarmanian (ed.), *War and Peace in Qajar Persia: Implications Past and Present*, London: Routledge, 2008, pp. 183-212; برای ترجمه فارسی نوشتار فوق بنگرید به: علی قیصری، «تاجران بدون مرز: تجارت، سفر و [یک] انقلاب در اواخر عهد قاجار»؛ رساله فرمانفرمایان (ویراستار)؛ جنگ و صلح در ایران دوره قاجار و پیامدهای آن در گذشته و اکنون؛ ترجمه حسن افشار؛ تهران: نشر مرکز، ۱۳۸۹، ص ۳۰۹-۳۵۲. همچنین زرگس پدram و مزده مهدوی (به‌کوشش)، زیر نظر ایرج افشار؛ خراسان در اسناد امین‌الضرب (۱۲۸۲-۱۳۵۱ ق)؛ تهران: فرهنگ ایران‌زمین، ۱۳۹۰ و منصوره اتحادیه (نظام‌مافی) و رقیه آقابالاژاده شللو (به‌کوشش)، تجارت و تجارت: منتخبی از اسناد تجارتخانه اتحادیه، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۹۸.

۸. برای نمونه بنگرید به: فرهاد میرزا معتمدالدوله؛ زنبیل؛ چاپ جدید، تهران: کلاله خاور، ۱۳۴۵؛ همچنین مجموعه‌ای که توسط یکی از تجار در اواخر قاجاریه به دو زبان فارسی و بیشتر به عربی گردآوری و نگاهشته شده بود: علی قیصری (به‌کوشش و پیشگفتار با توضیحات)؛ «فواکه البساتین، اثر حاج میرزا محمد طهرانی؛ متنی فلسفی و اعتقادی در اواخر قاجاریه». بخش‌های فارسی: در رسول جعفریان (به‌کوشش)؛ جشن‌نامه استاد سید احمد حسینی اشکوری؛ تهران: نشر علم، ۱۳۹۲، ص ۷۲۳-۸۱۷. برای چاپ دیگر کامل این اثر شامل بخش‌های عربی و فارسی بنگرید به: حاج میرزا محمد طهرانی، فواکه البساتین؛ منتخبی فلسفی، اعتقادی، روایی در اواخر قاجاریه؛ به‌کوشش علی قیصری، با همکاری علیرضا ابازری؛ قم: نشر مورخ، ۱۳۹۷. گفتنی است که در این اثر اشاره‌ای به سابقه خانوادگی، آموزشی یا تجاری نویسنده و گردآورنده نشده، بلکه متن یکسره وقف نگارش مباحث نظری، اعتقادی، اخلاقی و روایی شده است. همچنین بخش‌هایی نیز به مباحث از علوم جدید مانند «الکتریسیته»، فیزیک مایعات و نور اختصاص یافته است.

۹. برای مطالعه برخی از منابع دیجیتالی در ایران و خارج بنگرید به:

<http://www.ical.ir/>; <http://www.ical.ir/en/>; <http://iichs.org/index.asp>; http://iichs.org/index_en.asp?id=696&doc_cat=25; <http://tarikhirani.ir/>; <http://www.nlai.ir/>; <http://www.cgie.org.ir/>; <http://www.qajarwomen.org/en/index.html>; <http://library.ut.ac.ir/en>.

کند. در عوض برای امور ثبتی مانند سجل احوال، ثبت اسناد و املاک یا طرح دعاوی جدید و ارائه دادخواست لازم شد تا از آن به بعد از فرم‌های متحدالشکل دولتی استفاده شود، سندنویسی و تهیه رونوشت سند به شکل خطی باشد و نه مدوّر و برای ثبت در دفاتر تا حدی با پیروی از شیوه‌ای که در اواخر دوره قاجار نیز مرسوم شده بود، تمیز مخصوص دولتی ابتیاع و ابطال شود.^{۱۰} تا پیش از این جریان بسیاری از امور حقوقی معمولاً در محاکم عرفی یا محاضر شرعی انجام می‌شد که با وجود تفاوت‌هایشان هیچ یک تابع وحدت رویه خاصی نبودند. اسنادی که در چنین محاکم یا محاضری تنظیم می‌شدند، دارای نکات قابل توجهی برای پژوهش درباره تاریخ اجتماعی، حقوقی و اقتصادی دوران قاجار عرضه می‌کنند. این‌گونه اسناد از نظر بررسی نکات شکلی و صوری نیز بسیار مفیدند، مانند بررسی زبان و واژگان به کاررفته در تنظیم اسناد و به طور کلی ساختار فنی، دستوری و نحوی سند و نیز جنبه‌هایی که به آرایش کلی و طرح سندنویسی مربوط می‌شود.^{۱۱} در واقع در بررسی این‌گونه اسناد آشنایی با سبک نگارش و نیز توجه به مفاد ضمنی و دستوری و ظرایف مستتر در انشای مطالب از لوازم کار پژوهشی است. برای مثال همان قدر که در نگارش اسناد حقوقی فرض بر صراحت و روشن‌نویسی است، در مواردی نیز با گنگ‌نویسی عامدانه روبرو می‌شویم که راه را برای عدول، نکول و انحراف از نیت اولیه باز می‌گذارد؛ نکته‌ای که می‌تواند در یک بررسی تطبیقی یا میدانی درباره گردش معاملات و الگوهای انباشت یا پراکندگی ثروت و سرمایه در یک فرایند تاریخی مفید باشد.

فراگیری آداب انشا از سنین نوجوانی و تمرین و ممارست در آن در تعیین افق کاری نسل جوان خاندان‌های اهل دیوان مؤثر بود. همچنین برای کسانی که به تدریج به سوی انجام وظایف منشیانه برای طبقات و طیف‌های دیگر اجتماعی مانند نهادهای مذهبی یا تجاری می‌رفتند. در فارسی اداری یا دیوانی فراگیری چنان فنونی را معمولاً با عنوان کلی «خط و ربط» آورده‌اند که شامل کیفیت‌ها و توانایی‌های خاصی می‌شد؛ از جمله آشنایی با فنون ادبی به خصوص نظم و نیز خوشنویسی و سبک نگارش منشیانه، حساب‌نویسی (به ویژه آشنایی با سیاق) و فن انشا بر حسب مورد، مثل توانایی در نگارش عریضه، حواله یا گزارش.^{۱۲} افزون بر اینها گاهی تعبیر سومی هم با عنوان «ضبط» اضافه می‌شد

۱۰. درباره گذار از متن مدوّر به متن خطی و بررسی بازتاب‌های سیاسی، اداری و حقوقی آن در تکوین دولت مدرن با ارجاع به نمونه مشخص یمن بنگرید به:

Brinkley Messick, *The Calligraphic State: Textual Domination and History in a Muslim Society*, Berkeley, CA: University of California Press, 1996.

برای بررسی ابعادی از جنبه‌های حقوقی تاریخ شهری در ایران در دوره قاجار بنگرید به:

Nobuaki Kondo, *Islamic Law and Society in Iran: A Social History of Tehran*, London: Routledge, 2016.

۱۱. برای بررسی تحلیل حقوقی گزیده‌ای از اسناد قاجاری بنگرید به:

Christoph Werner, "Formal Aspects of Qajar Deeds of Sale," in Nobuaki Kondo (ed.), *Persian Documents: Social History of Iran and Turan in the Fifteenth to Nineteenth Centuries*, London and New York: Routledge Curzon, 2003, pp. 13-49.

۱۲. برای چند نمونه ارجاع به این تعبیر در متون قاجاری بنگرید به: پیوست انتهای مقاله.

که بیشتر و بلکه مشخصاً دارای بار و معنای اجرایی بود، اعم از مثلاً استیفای اجاره و مالیات یا ضبط مال منقول بر حسب حکم عرفی.^{۱۳} در ادوار بعد نیز تعبیری مانند «ضابط دادگستری»، «ضابط عام»، «ضابط نظامی» و امثالهم معطوف به همین سابقه است.

در یک ارزیابی کلی می‌توان گفت که معرفی آنچه از اسناد خصوصی باقی مانده و جستجو برای دستیابی به اسناد بیشتر و کوشش در نگهداری، مرمت و عرضه روشمند آنها مسلماً برای درک بهتر از دوره قاجار مفید خواهد بود و بر غنای تاریخ‌نگاری آن دوره خواهد افزود.

یادداشت ذیل تصویر ۷:

در مورد این فقره پژوهنده گرامی دکتر عباس امانت طی مکاتبه‌ای با نگارنده نکات مفیدی را متذکر شدند که با سپاس از ایشان آن نکات را می‌آوریم:

به احتمال زیاد این رباعی سروده خود ناصرالدین شاه بوده است. هر چند بعید نیست که در تنظیم آن از میان ادبای نزدیک به وی، مانند فروغی بسطامی نیز کمکی گرفته شده باشد. همچنین از فحوای خودستایانه این قطعه پیداست که متعلق به دوره‌ای است که ناصرالدین شاه مسند صدارت را برچیده بود و خود شخصاً به «عرایض» پاسخ می‌داد و در این سبک انشاء نیز به تدریج مهارت و سبک خاص خودش را پیدا کرده بود؛ سبکی ساده و صریح و متمایز از شیوه‌گاه متصنّف منشیانه (که البته آن را نیز مردود نمی‌دانست). در مورد «خط و ربط» [خود ناصرالدین شاه همچنین می‌توان افزود که او در خواندن دست‌نوشته‌های گوناگون، حتی آنهایی هم که (مانند دست‌نوشته‌های میرزا علی اصغر خان امین‌السلطان) با خط بدی نوشته شده بودند مهارت داشت. شاید هنگامی که وی کسی مانند میرزا علی خان امین‌الدوله را به سمت منشی مخصوص (و به عنوان «دبیر حضور») خود برگزید، بهره‌ای از مهارت منشیانه خود را نیز از برکت کار با او به دست آورد. در صورتی که ظاهراً تا موقعی که در تبریز بود [و هنوز به سلطنت نرسیده بود]، هیچگاه آموزش منظم و مرتبی در این‌گونه امور ندیده بود (حتی در قیاس با پدرش) و به نظر می‌رسد که فنون منشیانه را ابتدا از امیرکبیر و سپس از دیگران آموخت.^{۱۴} دیگر اینکه همان‌گونه که در این قطعه نیز می‌توان دید، [ناصرالدین شاه] مایه

۱۳. به نقل از امیر نظام گروسی: «... که با این خط و ربط و ضبط‌گرستگی باید کشید و تنگی و سختی دید»، بنگرید به: ا. نیکوهمت: «امیر نظام گروسی»، مجله وحید، شماره دوم، دوره نهم، ص ۲۱۰-۲۲۲ (اینجا: ص ۲۲۲). برای نمونه‌ای از تنظیم اسناد شرعی و دیوانی در دوره صفوی و اوایل قاجار بنگرید به: محمد بن سبزه‌علی اصفهانی؛ وجیزة التحریر؛ به کوشش رسول جعفریان؛ قم: نشر مویخ، ۱۳۹۳. برای بررسی ساختار و سبک انشای شماری از انواع نثر فارسی از جمله متون فلسفی و همچنین رسالت عرفی و دیوانی بنگرید به:

Ali Gheissari, "Resāle, Maqāle, and Ketāb: An Overview of Persian Expository and Analytical Prose," in Ehsan Yarshater (Founding Editor), *A History of Persian Literature*, Volume V: *Persian Prose*, Edited by Bo Utas, London: I. B. Tauris / Bloomsbury, 2021, pp. 146-216.

۱۴. بنگرید به:

Abbas Amanat, *Pivot of the Universe: Nasir al-Din Shah Qajar and the Iranian Monarchy, 1831-1896*, London and New

چندانی در شاعری نداشت. [از این گذشته،] وی ظاهراً نخستین کسی بود که در ایران (در اواخر دهه ۱۸۸۰م و اوایل دهه ۱۸۹۰م) قلم فلزی (موسوم به «قلم آهنی») و جوهر و احتمالاً نمونه‌های اولیه خودنویس را به کار برده بود. [و] اگرچه آگاهی او به زبان فرانسه که (به گفته اعتمادالسلطنه) مدت مدیدی هم صرف یادگیری آن کرده بود، هنوز در حد مبتدی بود، می‌توان احتمال داد که وی ساده و صریح نویسی را مدیون سبک مدرن نگارش در زبان فرانسه بود.

به نقل از مکاتبه دکتر عباس امانت با نگارنده به انگلیسی، در تاریخ ۱۱ ژوئن ۲۰۲۱ (۲۱ خردادماه ۱۴۰۰). ترجمه فارسی از نگارنده است. در بازنویسی این قطعه نیز موردی با راهنمایی ایشان تصحیح شد که به این وسیله از ایشان سپاسگزاری می‌شود.

پیوست

نمونه‌هایی از کاربرد تعبیر «خط و ربط» در تعدادی از متون قاجاری^{۱۵}

... مرحوم حشمة‌الدوله از شاهزادگان رشید و دلاور قاجاریه است و پس از پدر والی کردستان و کرمانشاه گردید و همواره با محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه که والی لرستان بود و در (۱۲۰۶ش ۱۱۷) گذشت بزد و خورد مشغول بود تا در این سال در تبریز وفات کرد و فرزندان بر جا نهاد، از آن جمله یکی مرحوم محمدهادی میرزا که از جمله شعرا بوده و تخلص صابر می‌نموده و او در کرمانشاه متولد شده و فنون ادب و خط و ربط را نیکو یاد گرفت و در سرودن اشعار عربی و فارسی کامل گردید و در آخر بمرض نقرس و مفاصل مبتلا و بستری شد.^{۱۶}

... اکنون [چندی است] که به حکومت گیلان و رشت مخصوص گشته، علی‌الجملة در کمالات منقول و معقول و مراتب عربیه و مقامات ادبیه و ریاضی و حکمت و اخبار و تواریخ و سیر و اخلاق و سلوک و خط و ربط و نظم و نشر و عروض و بدیع ماهر و کامل می‌باشند گاهی در زمان فراغ به نظم قصاید و غزلیات مبادرت می‌فرمایند.^{۱۷}

۵۸۹ خرسندی شیرازی. اسمش میرزا اسماعیل و اصلش از کازرون، مولدش شیراز، والدش از علما بوده و در سنه ۱۲۵۹ به قصد ارض اقدس خود به تهران آمده متوقف شد و به تعریف من بنده مؤلف،

York: I. B. Tauris, 1997, Chapters 1-4.

برای ترجمه فارسی این اثر بنگرید به: عباس امانت؛ قبله عالم؛ ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران (۱۲۴۷-۱۳۱۳)؛ ترجمه حسن کامشاد؛ تهران: نشر کارنامه، ۱۳۹۳.

۱۵. از پژوهنده گرامی دکتر رسول جعفریان برای استخراج این موارد و همکار گرانمایه آقای علیرضا اباذری برای تکمیل اطلاعات کتابشناسی سپاسگزارم.

۱۶. بنگرید به: محمدعلی معلم حبیب‌آبادی؛ مکارم الآثار؛ به کوشش سیدمحمدعلی روضاتی؛ اصفهان: اداره کل فرهنگ و هنر اصفهان، ۱۳۶۲، ج ۵، ص ۱۶۹۵.

۱۷. بنگرید به: رضاقلی خان هدایت؛ مجمع الفصحاء؛ تصحیح مظاهر مصفا؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۶۳.

در حضرت قطب السلاطین سلطان محمد شاه قاجار نور الله مرقد به شهنامه خوانی مجلس اعلی و پیشخدمتی نواب شاهزاده عباس میرزا مخصوص و منصوب گردید. در آغاز دولت ابد مدت شاهنشاه عصر ابوالفتح و النصر سلطان ناصرالدین شاه خلد الله سلطانه، به حکم جناب میرزا محمد تقی خان فراهانی امیر نظام به وقایع نگاری ولایت کرمان مأمور شده، چندی بدان خدمت اشتغال داشت. پس به دارالخلافه احضار شد، در هنگامی که امر وظایف و مستمریات علما و سادات ولایت به جناب میرزا محمد حسین قزوینی صدر دیوان سابق و عضد الملک لاحق مفوض و مرجوع افتاد و مقرر شد که از جانب او به هر خطه نایبی و وکیلی معین شود و او را بدین خدمت به اصفهان فرستادند و بدان کار پرداخت و باز آمد. اکنون در دارالخلافه است. جوانی است قابل با علوهمت و استغنای طبیعت. طالب ارتقا به مرقات ترقیات و به قدر کفاف صاحب خط و ربط و در علم موسیقی با حظ وافی سالها با من آشنا و این ابیات ازوست ...^{۱۸}

نثار [محمد مهدی] از اوایل زندگانی بتحصیل کمالات متنوعه اشتغال داشت تا آنکه پدرش در چهارده سالگی وی وفات یافت. پس امیر نظام محمد خان زنگنه که از اکابر امرا بوده، او را در ردیف منشیان خودش منسلک ساخت و یکی از ادبای آن دیار را بتعلیم و تربیت وی بگماشت. اینک در اثر استعداد فطری و مساعدت بخت و طالع در اندک زمانی بترقیات متنوعه بسیاری نائل آمد و بحلیه علم و ادب و خط و ربط و نظم و نثر آراسته شد. خطش در خوبی بنهایت رسید، لهجه اش هم بزبان عربی و فارسی گویا شد و بهر دو زبان، اشعار نغز و شیوای گفت تا منشی دیوان رسائل زنگنه گشته و صدور تمامی احکام نظامی بعهده وی مقرر گردید.^{۱۹}

... همچنین عرق وجه در وجه عرق ریزند و رورا سخت تراز سنگ و روو آبرورا آب جو نمایند تا نان شبی فراهم آورند. روز تا شب در مرافعه دستوری بؤاب و مستوری نؤاب ارباب باشند. اگرچه آنها هم حق دارند، الضرورات تبیح المخطورات، امروز این شغل بی فائده و این سفره بی مائده که خط و ربط باشد. بقدر جوی فائده ندارد. این بیچارگان هم کار و کسبی دیگر ندارند، لابد باید کوششی بکنند و قوت یومیّه یی فراهم آورند تا قوت کار داشته باشند. هر دو سه روزی که سه چهار شاهی پیدا می کنند، در برابر مخارج طهران مثل اینست که گاورسی بگاوی دهند یا خردلی پیش خربطی نهند، باز فردا بی جو، باز فردا در تک و دو ...^{۲۰}

وفایی تفرشی:

وفایی تفرشی اسمش عبدالله بیگ از دیار بهشت سرشت تفرش است. نهال وجودش در گلزار شیراز

۱۸. بنگرید به: رضاقلی خان هدایت؛ مجمع الفصحاء؛ تصحیح مظاهر مصفا؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۱، ج ۴، ص ۳۵۵.

۱۹. بنگرید به: ریحانة الادب؛ تهران: کتابفروشی خیام، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۱۳۱.

۲۰. بنگرید به: احمد گلچین معانی؛ تاریخ تذکره های فارسی؛ جلد اول، چاپ دوم، تهران: کتابخانه سنایی، ۱۳۶۳، ص ۳۷۰.

برآمده و در دبستان کمال از اقران و همگنان بر سر آمده، در اصفهان تحصیل کمال کرده، پس از رسانیدن خط و ربط در دارالخلافه طهران در جرگ خاصان و جمع غلامان نواب شاهزاده اعظم علیشاه بسر میبرد. پس بخواهش نواب شیخعلی میرزا از این حضرت بآن خدمت منتقل و از خدمت این بمنادمت آن مشغول شد. ندیمی محترم و چاکری همدم و شایسته خدمت و لایق منادمت ملوک و ابنای ملوک تواند بود؛ زیرا که مؤدب و پسندیده اطوار و مهدب و ستوده کردار و درویش طبع و غنی دل و خوش مشرب و پاکیزه آب و گل است. یک دو سفر او را در دارالسلطنه تبریز دیدم و بصحبتش رسیدم. غزل پرداز و مضمون یابست. این اشعار ازوست. (۵ بیت) «نگارستان دارا».^{۲۱}